

از ایده تا فیلمنامه نقش ضد قهرمان در فیلمنامه

(بخش هشتم)

بودند و یا در حال عیش و خوشگذرانی، به همین خاطر این ضدقهرمان ضعیف نمی‌توانست به درستی در مقابل قهرمان قرار گیرد و با او مقابله نماید و در نتیجه این فیلمها ضعیف، سطحی و باورناپذیر جلوه می‌کردند. فراموش نکنید که اگر قهرمان و ضدقهرمان را در دو کفه‌ی ترازو قرار دهیم باید هر دو هموزن باشند، اگر یکی قوی و دیگری ضعیف باشد درام ساختاری گیرا و جذاب نخواهد یافت؛ فرقی نمی‌کند که ضدقهرمان یک موجود جیوه‌یی باشد (مثل فیلم ترمیناتور) یا یک انسان معمولی مانند شخصیت منفی در فیلمهای خانوادگی.

نیروهای مافوق طبیعت، اجنه، شیاطین، خون‌آشامها و موجوداتی از این دست اغلب نقش منفی و ضدقهرمان در فیلمهای ژانر وحشت دارند. جنگ شیاطین همواره یکی از جذاب‌ترین گونه‌های نمایشی بوده و سینما استفاده‌ی بی‌حد و حصری از آن نموده است، اما شیاطین هم بدون انگیزه و بی‌دلیل به جان شخصیت‌های داستان نمی‌افتند. گاهی موجودات طبیعی به صورت یک نیروی مافوق طبیعت بروز پیدا می‌کنند، مثل کوسه‌ی باهوش، زیرک و شرور فیلم «آرورهای کوسه» که در آبهای جزیره دیده می‌شود و وحشت به دل آدمها می‌اندازد. بدهی است که ضدقهرمان حتی اگر نیروی طبیعی چون توفان، برف و کولاک شدید یا سیل و آتشفشان‌های مخرب و کشنده باشد، فیلمنامه‌نویس باید راهی پیدا کند تا بتواند این نیروی طبیعی بدون کنترل را در قالب ضدقهرمانی رام‌شدنی و مهارپذیر به کار گیرد.

زمانی که «نادر ابراهیمی» طرح فیلمنامه‌ی راجع به وارونگی هوا را در جلسه‌ی مدرسه‌ی کارگاهی فیلمنامه‌نویسی مطرح کرد ایده‌ی کلی آن خوب به نظر می‌رسید. ایستایی و وارونگی هوا مردم شهری بزرگ مثل تهران را با خطر مرگ روبه‌رو می‌کند. کارمندان سازمان هواشناسی مضطرب و نگران به تکاپو برای اعلام وضعیت خطر و نجات جان شهروندان می‌افتند. دولت تشکیل جلسه می‌دهد. برخی از مشاوران دولت معتقدند هرچه سریع‌تر باید در

یعنی او برای مخالفت با قهرمان باید دلیل قابل قبولی داشته باشد؛ این دلیل باید آن قدر قوی باشد که او را وادار به مخالفت، تحمل سختی و ایستادگی در مقابل قهرمان نماید در زندگی واقعی نیز هیچ‌کس بی‌دلیل به مخالفت با دیگری نمی‌پردازد؛ ممکن است دلیل و انگیزه‌ی احمقانه جلوه کند، اما به هر حال از زاویه‌ی دید فرد مخالف قانع‌کننده است. در فیلم «ترمیناتور» قهرمان مأموریت دارد پس‌پرسی‌هایی را که قرار است در آینده فرماندهی گروهی از مبارزان با سلطه‌ی ماشین بر انسان را به عهده بگیرد نجات دهد. مرد جیوه‌یی که ضدقهرمان است می‌خواهد پسرک را نابود کند؛ او هم از سوی گروهی دیگر مأمور شده است. پس قهرمان و ضدقهرمان هر دو هدفی روشن و قابل قبول دارند؛ هدفی که آن دو را به یکدیگر مرتبط و ایجاد رابطه‌ی متقابل می‌نماید. اگر قهرمان شخصیتی مصمم و محکم است و برای رسیدن به هدفش دست از هیچ تلاشی نمی‌کشد، در مقابل ضدقهرمان هم باید همین‌طور مصمم، محکم و راسخ باشد و تا آخرین لحظه تسلیم نگردد؛ به این ترتیب کشمکش در فیلمنامه به درستی شکل می‌گیرد. یکی از ایرادات فیلمهای گونه‌ی جنگی ایرانی در دهه‌ی ۷۰-۶۰ معمولاً این بود که ضدقهرمانانش اغلب افرادی احمق، نادان و ضعیف بودند؛ همیشه در پشت خاکریزها و درون سنگرهای خط مقدم جبهه یا مست

جعفر حسینی

می‌دانیم کسی که مقابل شخصیت اصلی قرار می‌گیرد و با او به مخالفت یا دشمنی می‌پردازد ضدقهرمان نامیده می‌شود. پیش از این گفته بودیم هر داستانی با بهره‌گیری از درام و تضاد بین نیروهای مخالف هم قادر به حیات است و هر درامی علاوه بر شخصیت اصلی، ضدقهرمانی نیز دارد.

همه‌ی ما در فیلمهای اکشن، حوادث و برخورد‌های فیزیکی غلوا‌میزی را بین نیروهای خیر و شر شاهد بودیم؛ صحنه‌هایی نظیر درگیری قهرمان و ضدقهرمان روی سقف کامیونی که با سرعت ۲۰۰ یا ۳۰۰ کیلومتر در جاده‌ی پرپیچ و خم کوهستانی به پیش می‌راند یا آویزان شدن از یک هواپیمای در حال پرواز و یا ورود به هواپیمایی در حال اوج با یک موتورسیکلت، در حالی که در ژانرهای دیگر هم قهرمان برای رسیدن به هدف خویش چنین تلاشی دارد اما به شکلی باورپذیر و واقعی؛ در این صورت، ممکن است درگیری‌های حسی و درونی به کمک درگیری‌های فیزیکی بیابند و بخشی از کشمکش را بر عهده بگیرند و دیگر نیازی نباشد که برای حفظ جذابیت و همراه نمودن مخاطب با قصه قهرمان را وادار به انجام هر کار عجیب و غریب و دور از ذهنی نمود. پس هر نمایشی ضدقهرمانی دارد که بالاجت یا کینه‌ی شدید و به‌طور کلی با سرسختی و اراده‌ی بسیار قوی رو در رو و مقابل قهرمان و هدف او می‌ایستد تا او را از رسیدن به هدفش باز دارد، به همین دلیل ضدقهرمان در هر درامی نقشی مؤثر و تعیین‌کننده دارد؛ بنابراین همان‌گونه که قهرمان باید با دقت پرداخت شود ضدقهرمان نیز نیاز به پرداخت دارد، همان‌گونه که انگیزه و هدف قهرمان مشخص است انگیزه و هدف ضدقهرمان نیز باید روشن باشد. انگیزه‌ی ضدقهرمان باید منطقی - از زاویه‌ی دید خودش - و باورپذیر باشد.

نیروهای مافوق

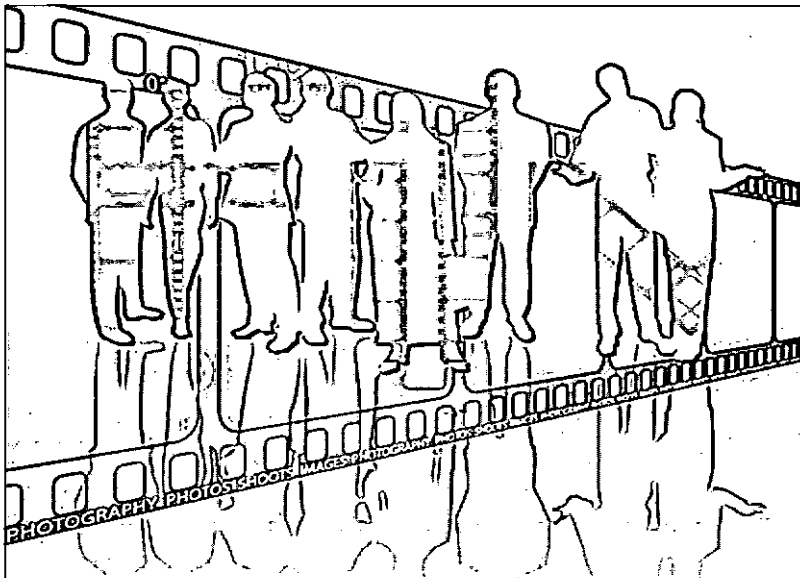
طبیعت، اجنه، شیاطین،

خون‌آشامها و موجوداتی از

این دست اغلب نقش منفی

و ضدقهرمان در فیلمهای

ژانر وحشت دارند.



شهر وضعیت فوق‌العاده اعلام شود و از مردم خواسته شود که شهر را ترک کنند و برخی دیگر با بیان خطرات و در نتیجه هراس و وحشت مردم و خارج شدن اوضاع از کنترل با اعلام وضعیت فوق‌العاده مخالفت می‌کنند و امیدوارانه می‌گویند به زودی هوا به جنبش می‌افتد و خطر رفع می‌گردد اما چنین نمی‌شود و دقایق به سرعت می‌گذرند؛ هوای آلوده سطح شهر را فرا می‌گیرد و نفس کشیدن به‌شدت سخت می‌شود. عاقبت دستور تعطیلی همه‌ی کارخانه‌ها و خاموشی ماشین‌ها داده می‌شود و مردم به سوی کوه‌ها راهنمایی می‌شوند. همه به سوی دامنه‌ی کوه‌ها هجوم می‌برند و هر کس برای نجات خود به تکاپو می‌افتد کودکان و افراد پیر درمی‌مانند و جوان‌ترها به پیش می‌روند عاقبت تعدادی از مردم جان می‌یازند و عده‌ی دیگر راه خود را می‌یابند اما آن چه باعث شد در نهایت از این ایده کار قابل توجهی به دست نیاید، نگاه صاحب اثر به موضوع و نحوه‌ی به‌کارگیری نیروهای مخالف در پرداخت درام بود همان‌طور که از متن برمی‌آید در فیلمنامه هم نیروی منفی می‌توانست آلوده‌کننده‌های هوا باشد و نیروی مثبت قهرمانی پرتلاش و عاطفی، با این حال فیلمنامه‌نویس اصرار داشت کار به شکلی رئال پرداخت شود و در فیلمنامه روی هیچ شخصیتی به عنوان شخصیت محوری مثبت و یا ضدقهرمان تأکید نشود. در فیلمنامه‌ی مزبور همه‌ی مردم، کارخانه‌داران، کارمندان سازمان هواشناسی و مسئولان حضوری یکسان داشتند و آلودگی و ایستایی هوا نیز در همان شکل واقعی خود که به‌طور روزمره با آن در ارتباطیم به کار گرفته می‌شد. در جلسات متعدد راجع به اشکالات این نگاه در برخورد تماشاگر با فیلم - که به هر حال قرار بود قالبی نمایشی و داستانی داشته باشد و نه مستند - گوشزد شد، اما آقای ابراهیمی هم‌چنان روی نظر خود که واقعی دیدن موضوع بود با فشاری می‌کرد و عاقبت فیلمنامه را با همین نگاه نوشت و به تولید رساند؛ هر چند که هرگز به نتیجه‌ی دلخواه خود نرسید.

ضدقهرمان ممکن است یک جنایتکار باشد، اما همیشه هم این‌گونه نیست، یعنی لزوماً این‌طور نیست که در هر فیلم و نمایشی ضدقهرمان جنایتکار و شرور باشد در بسیاری از نمایش‌ها آن چه فردی را رو در روی قهرمان و شخصیت اصلی داستان قرار می‌دهد منافع شخصی، حسادت یا عقده‌های سرکوب‌شده‌ی روانی نیست، بلکه پای‌بندی به اصول و قواعدی

شور و منفی تک‌بعدی خلق کرده است در حالی که می‌تواند با کمی پرداخت بیشتر، شخصیت‌های شور و پیچیده‌ی جذاب و ماندگاری خلق کند همان‌طور که سعی می‌کند شخصیت‌های مثبت قصه‌اش این ماندگاری و جذابیت را داشته باشند یکی از مهم‌ترین نکته‌ها انگیزه‌ی شخصیت شور است. شما به عنوان نویسنده باید بدانید انگیزه‌ی شخصیت شور قصه‌تان از مقابله با شخصیت مثبت چیست؛ آیا این تقابل شیطانی ناشی از حوادث و رویدادهای منفی زندگی شخصیت شور قصه‌ی شماست، در این صورت آن حوادث چه بوده و تا چه میزان تأثیر مخرب بر شخصیت مذکور گذاشته است. برای این شخصیت‌ها زندگی‌نامه بنویسید، همان‌گونه که برای شخصیت‌های مثبت و قهرمانان قصه‌ی خود زندگی‌نامه می‌نویسید. به دنبال دلایل عقده‌های روانی و ناهنجاری‌های زندگی آن‌ها باشید. مسایل عاطفی که وجه مثبت شخصیت‌شان را تخریب کرده پیدا کنید تا بتوانید به آن‌ها بعد و پیچیدگی ببخشید فراموش نکنید که هیچ آدمی بد ذات بد نیست، هیچ‌کس به نظر خودش آدمی شرور، پست و منفی نیست؛ چنین فردی حتی وقتی که دست به عملی شرورانه می‌زند برای خود دلایل و توجیهاتی دارد، برای مثال کسی که مدام با دیگران درگیر می‌شود و به زد و خورد می‌پردازد ممکن است انگیزه‌اش را دفاع از دوستان مظلوم واقع‌شده‌ی خود و یا حمایت از اعضای خانواده‌اش بیان کند. پس این دلایل را بیابید تا بتوانید شخصیت‌های مثبت و منفی چندبعدی و جذابی خلق کنید ■

خاص است. در فیلمی پلیسی وقتی قهرمان مورد ظلم قرار می‌گیرد و خود شخصاً به مقابله و انتقام‌جویی دست می‌زند، انگیزه‌ی شخصیت پلیس برای جلوگیری از اعمال وی انگیزه‌ی منفی و بد نیست، بلکه او بر اساس وظایفی که دارد مقابل قهرمان قصه قرار می‌گیرد؛ حتی اگر ناچار شود به سوی وی تیراندازی کند و وی را از پا درآورد وقتی در فیلمی دو تیم فوتبال مقابل هم قرار می‌گیرند، ممکن است مثلاً مدیر یکی از باشگاه‌ها صرفاً به منافع مالی خود بیندیشد و بخواهد این منافع را به هر قیمتی حفظ کند و بر همین اساس دست به توطئه‌هایی علیه باشگاه مقابل بزند، اما این‌طور نیست که همه‌ی افراد تیم او آدم‌های پست و شروری باشند.

شخصیت‌های شور همچون بمبی آماده‌ی انفجار همواره حسی از اعمال پلید و منفی را با خود یدک می‌کشند؛ مهم نیست که چه شکلی داشته باشند، ممکن است به ظاهر انسان‌هایی فرهیخته و قابل احترام باشند، رده‌های شغلی بالایی داشته یا در پست‌های حساسی قرار گرفته باشند، این امکان هم هست که به شکل اوباش کثیف، چاقوکش و آسمان‌جلی در داستان ظاهر شوند. آن‌ها در هر شکلی در مقابل شخصیت مثبت قصه قرار بگیرند با او به جنگی آشکار یا پنهان می‌پردازند آن‌ها به قوانین اجتماعی احترام نگذاشته و به خاطر رسیدن به اهداف خود همه چیز را زیر پا می‌گذارند. آن‌ها شخصیت‌هایی مصمم، قاطع و فعال‌اند آن‌ها نیرویی شر در برابر نیروی خیر هستند؛ این نیروها در بسیاری از فیلم‌ها انگیزه، رفتار و کنش مشابهی دارند به همین دلیل شبیه هم به نظر می‌رسند و این نشانگر آن است که فیلمنامه‌نویس شخصیت